

برآورد ظرفیت مالیاتی استان‌های کشور: با استفاده از الگوی داده‌های تلفیقی*

نادر مهرگان** - نادر پژمان***

در کشور ما نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی در مقایسه با سایر کشورها بسیار پایین است. این مشکل می‌تواند ناشی از پایین بودن ظرفیت مالیاتی یا پایین بودن کوشش مالیاتی باشد. در این راستا تلاش‌های بسیاری در جهت تحقق درآمدهای مالیاتی در استان‌های مختلف انجام شده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که استان تهران با بیشترین و استان همدان با کمترین تلاش در جهت تحقق درآمدهای مالیاتی به ترتیب رتبه اول و رتبه‌ای بیش از متوسط استان‌های کشور را داشته‌اند.

ظرفیت مالیاتی استان همدان سیر صعودی داشته ولی مالیات اخذ شده متناسب با ظرفیت مالیاتی نبوده است به گونه‌ای که اولاً کمتر از ۳۰ درصد ظرفیت مالیاتی اخذ شده و ثانیاً نسبت مالیات اخذ شده به ظرفیت مالیاتی از نوسان‌های شدیدی برخوردار بوده و شاهد کاهش نسبت ذکر شده با افزایش تولید ناخالص استان و افزایش این نسبت با کاهش تولید ناخالص آن هستیم. شکاف میان ظرفیت مالیاتی و مالیات اخذ شده، بیشتر در مالیاتهای مستقیم و به‌ویژه در بخش خدمات مشاهده می‌شود. این شکاف در مالیاتهای غیرمستقیم بسیار ناچیز است ضمن آن‌که افزایش سطح اشتغال نیروی کار تحصیل کرده در افزایش ظرفیت مالیاتی استان به‌لحاظ آماری معنی‌دار است.

۱. مقدمه

نیاز دولت‌ها به اعتبار مالی برای ایفای وظایف و مسئولیت‌های تأمین و حراست از مرزها،

* این مقاله برگرفته از طرحی پژوهشی است که به سفارش وزارت امور اقتصادی و دارایی انجام شده است.

** دکترای اقتصاد، عضو هیئت علمی دانشگاه بوعلی سینا، همدان.

*** کارشناس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان تهران.

ارائه کالاها و خدمات عمومی، تثبیت و نظایر آن در جامعه، آنها را بر آن می‌دارد تا از راه‌های گوناگون به تأمین اعتبار مالی اقدام کنند. مالیات به عنوان یکی از مهم‌ترین راه‌های تأمین اعتبار مالی از آغاز شکل‌گیری جوامع و دولت‌ها همیشه مورد توجه و بررسی بوده است. مالیات‌ها جدا از نقش اصلی خود یعنی تأمین اعتبار مالی، نقش‌های کلیدی دیگری نظیر تثبیت، کاهش نوسان‌های اقتصادی، هدایت فعالیت‌های اقتصادی و توزیع مجدد درآمد را نیز بر عهده دارند که این امر اهمیت شناخت آن را دوچندان می‌کند.

با توجه به اهمیت و نقش مالیات‌ها در اقتصاد، برآورد ظرفیت مالیاتی^۱ به منظور افزایش درآمدهای مالیاتی در جامعه از موضوع‌های کلیدی در علم اقتصاد است. ظرفیت مالیاتی هنگامی بدون تورش برآورد می‌شود که ابتدا تعریف دقیق و جامعی از مفهوم ظرفیت مالیاتی داشته باشیم. در این مقاله ظرفیت مالیاتی این‌گونه تعریف می‌شود:

«ظرفیت مالیاتی بیشترین مالیاتی است که با توجه به سطح توزیع آن و ترکیب درآمد و قوانین هر کشور در یک دوره بلندمدت قابل اخذ است. طبیعی است اگر در یک دوره اخذ مالیات بیش از ظرفیت مالیاتی باشد سبب کاهش درآمد جامعه و درآمد مالیاتی در سال‌های آتی خواهد شد و اگر کمتر از ظرفیت بالقوه مالیاتی باشد دولت برای رسیدن به اهداف اقتصادی خود با مشکلات مالی مواجه خواهد شد».

بخش اول نوشتار به پایه نظری تعیین ظرفیت مالیاتی اختصاص داشته و سپس مطالعات صورت گرفته در داخل و خارج کشور در این زمینه مورد بررسی قرار گرفته است. در ادامه، الگوی تعیین ظرفیت مالیاتی با استفاده از داده‌های تلفیقی برآورد شده است.

۲. پایه نظری تعیین ظرفیت مالیاتی

ساختار ظرفیت مالیاتی به سه دسته درآمد ملی، سرمایه ملی و بازار نهایی سرمایه تقسیم می‌شود که به تفکیک معرفی می‌شوند.^۲

1. Taxable Capacity

۲. ایاس نادران، مالیات‌ها و ظرفیت مالیاتی و معضلات موجود، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده اقتصاد،

۱-۲. ساختار ظرفیت مالیاتی درآمد ملی

ظرفیت مالیاتی درآمد ملی، توانایی‌های مالی درآمد ملی است که موجب ایجاد درآمدهای مالیاتی در چارچوب قوانین موجود می‌شود. این ظرفیت می‌تواند در محدودیت‌های مختلف انسانی، اقتصادی، سیاسی و قانونی مورد ارزیابی قرار گیرد.

عوامل انسانی: ظرفیت مالیاتی به دو دلیل به تولید بستگی دارد. دلیل اول، درآمدی است که برای صاحبان و ابزار تولید، سرمایه، کار و عواملی نظیر آن حاصل می‌کند و دلیل دوم قدرت خریدی است که خانواده‌ها در تهیه کالاها و خدمات به دست آورده‌اند. از سوی دیگر نیروی انسانی یکی از عوامل اساسی و مؤثر در تولید است. نیروی انسانی یک جامعه در ارتباط با مسائل مالیاتی با توجه به حجم جمعیت، ساختار جمعیت، عکس‌العمل و روحیه و فرهنگ مردم در برابر مالیات و مجریان مالیاتی نقش‌های متفاوتی ایفا می‌کند.

عوامل اقتصادی: از آنجایی که ظرفیت مالیاتی مبتنی بر ظرفیت اقتصادی است بنابراین عوامل اقتصادی از عوامل اساسی و مؤثر در تعیین ظرفیت مالیاتی هستند. این عوامل از دو جنبه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

الف - ساختار اقتصادی: اقتصادهای صنعتی در مقایسه با اقتصاد کشاورزی دارای گردش و تحرک بالای ثروت هستند. اگر نظام مالیاتی به گونه‌ای عمل کند که سهم مالیاتی در هر مرحله از گردش ثروت، تعیین شود، ظرفیت مالیاتی افزایش خواهد یافت.

ب - سازوکار اقتصادی: در مرحله افزایش قیمت‌ها، بازده مالیات‌ها از نظر درآمدهای اسمی افزایش یافته ولی باید توجه داشت که گاه به علت کاهش قدرت خرید مالیات اخذ شده، ظرفیت واقعی مالیاتی به‌طور محسوسی کاهش یافته و امکان فرار مالیاتی نیز بیشتر خواهد شد. اوضاع سیاسی: کشورها از نظر جغرافیایی در موقعیت ژئوپلیتیکی خاصی قرار دارند که براساس آن از وضع سیاسی ویژه‌ای برخوردار بوده و در روابط سیاسی - نظامی با سایر کشورها مجبورند بخشی از اعتبارات خود را صرف تقویت بنیه دفاعی کنند. این امر تأثیر به‌سزایی در ظرفیت‌های مالی و مالیاتی کشور خواهد داشت.

قوانین مالیاتی: قوانین و مقررات، ابزار دست مجریان در اقدامات اجرایی است که آن دو لازم و ملزوم یکدیگر هستند. در ظرفیت‌های مالیاتی کشور نیز قوانین مربوط، جدول‌های مالیاتی، مالیات‌های تصاعدی، تشویق‌ها و تخفیف‌های مالیاتی و نظایر آن مبین جهت‌گیری مالیاتی و حرکت‌های اصولی دستگاه‌های مالیاتی کشور است.

۲-۲. ساختار ظرفیت مالیاتی سرمایه ملی

ظرفیت مالیاتی سرمایه ملی در حقیقت درآمدهای مالیاتی دولت از سرمایه‌های ملی است و مکمل ظرفیت مالیاتی از درآمد ملی است. به این معنا که دولت برای تأمین هزینه‌های مصرفی و سرمایه‌گذاری و مانند آن علاوه بر درآمدهای افراد، از سرمایه‌های آنها نیز مالیات دریافت می‌کند. مانند مالیات بر ارث که افزایش ظرفیت مالیاتی سرمایه ملی، از ازدیاد ارزش انواع سرمایه یا افزایش حقیقی آن از نظر ازدیاد ثروت صورت می‌گیرد.

۲-۳. ساختار ظرفیت مالیاتی برای بازدهی نهایی سرمایه

دولت بر حسب سیاست‌های خود، بخشی از فعالیت‌های اقتصادی را موافق و بخش دیگری را مخالف جهت‌گیری نظام می‌داند. بنابراین لازم است با ابزارهایی مانند نظام مالیاتی و سیاست مالی به تقویت یا ممانعت از این فعالیت‌های اقتصادی پردازد. این امر خود موجب تغییر بازدهی نهایی سرمایه و در پی آن تغییر ظرفیت مالیاتی در بخش‌ها و فعالیت‌های مختلف اقتصادی می‌شود.

۳. عوامل مؤثر بر ظرفیت مالیاتی

عوامل مؤثر بر ظرفیت مالیاتی یک کشور ثابت نیستند بلکه به مرور زمان و با تغییر و تحولات اقتصادی، تغییر می‌کنند. به طوری که در دوره‌ای سبب افزایش ظرفیت مالیاتی شده و در دوره‌ای دیگر موجب معافیت مالیاتی می‌شوند (بخش کشاورزی در دوره قاجار و اکنون). با این ملاحظه، نظریه‌های مختلفی در مورد عوامل مؤثر بر ظرفیت مالیاتی ارائه شده که به بعضی از آنها اشاره می‌کنیم.

عوامل مؤثر بر ظرفیت مالیاتی را می‌توان به دو دسته طبقه‌بندی کرد. (کرد بچه، ۱۳۶۴) نخست، عوامل مؤثر بر توان افراد در پرداخت مالیات که به عوامل غیرارادی (درآمد سرانه) و ارادی (احساس تعهد و مسئولیت) مؤثر در پرداخت مالیات تقسیم‌بندی می‌شود. دوم، عوامل مؤثر بر توان دولت در جمع‌آوری مالیات.

در مطالعه‌های دیگر با الهام از مطالعه پیشین این عوامل واضح‌تر بیان شده‌اند (نادران،

:۱۳۶۷)

الف - از عوامل غیرارادی می‌توان به درآمد ملی سرانه، بافت اقتصادی جامعه و اهمیت انواع

برآورد ظرفیت مالیاتی استانهای کشور ... ۱۲۱

گوناگون فعالیت‌های اقتصادی و سیاست‌های کلان اقتصادی اشاره کرد. سطح بالاتری از درآمد سرانه در مجموع، وضع و جمع‌آوری مالیات‌ها را آسان‌تر می‌کند. بنابراین درآمد سرانه اثر مثبتی بر ظرفیت مالیاتی دارد. ترکیب درآمد و نرخ اهمیت و وسعت فعالیت‌های اقتصادی از عوامل تأثیرگذار بر توانایی افراد در پرداخت مالیات است. برای مثال، اهمیت بخش کشاورزی و نرخ معیشتی بودن آن به‌طور منفی، درآمدهای مالیاتی را تحت تأثیر قرار می‌دهد ولی در برابر آن تولیدهای صنعتی و معدنی و فعالیت‌های خدماتی، ایجادکننده پایه‌های وسیع مالیاتی هستند. اهمیت بالای بخش تجارت خارجی نیز توانایی جامعه در وصول مالیات را افزایش می‌دهد. در اصل یکی از بزرگترین منابع درآمد دولتی در کشورهای در حال توسعه، وضع مالیات بر کالاها به شکل مالیات بر واردات و صادرات است.

سیاست‌های کلان اقتصادی دولت‌ها می‌تواند از طریق ارزش واقعی نرخ مبادله، نرخ محدودیت‌های وارداتی، سطح بدهی عمومی، نرخ بهره، نرخ تورم و اتخاذ سایر سیاست‌ها، بر درآمد مالیاتی مؤثر واقع شود.

نرخ گسترش فرهنگ مالیاتی در جامعه، چگونگی بینش عمومی نسبت به نظام مالیاتی، احساس مسئولیت و صداقت افراد در پرداخت مالیات و نظر شهروندان نسبت به دولت، از عوامل ارادی مؤثر بر توانایی افراد جامعه نسبت به پرداخت مالیات است.

ب - مهم‌ترین عوامل ساختاری تأثیرگذار بر توانایی دولت در جمع‌آوری مالیات نیز وضع قوانین مناسب مالیاتی، سهولت دستیابی به پایه‌های مالیاتی، تعداد مالیات‌ها در نظام مالیاتی کشور، نرخهای مالیات و هزینه‌های اجرایی وصول مالیات هستند.

در یک جمع‌بندی می‌توان به ترتیب این عوامل را در افزایش ظرفیت مالیاتی مؤثر دانست:

یکم) ارزش افزوده فعالیت‌های اقتصادی به‌ویژه فعالیت‌هایی که از معافیت‌های مالیاتی برخوردار نیستند و دارای نظام حسابداری دقیق و منظم می‌باشند.

دوم) تعداد شاغلانی که درآمد آنها بیش از دستمزدهای مشمول معافیت از مالیات است. (نسبت شاغلان ماهر بر غیر ماهر)

سوم) از آنجا که اخذ مالیات باید براساس قانون باشد به طوری که مصوب بودن درآمدهای مالیاتی در یک منطقه نیز نمی‌تواند توجیهی برای اخذ مالیات بیشتر از یک منطقه باشد بنابراین مجموعه قوانین کشور در مورد مالیات تأثیر به‌سزایی در ظرفیت مالیاتی دارد.

چهارم) تبحر و کارایی دستگاههای اجرایی در اخذ مالیات (به ویژه مالیات بر مشاغل آزاد) بر افزایش ظرفیت مالیاتی تأثیر قابل ملاحظه‌ای دارد. (کردبچه، ۱۳۶۴؛ عظیمی، ۱۳۶۵؛ ارباب، ۱۳۶۶؛ نادران، ۱۳۶۷؛ شکیبایی، ۱۳۷۸)

۴. پیشینه تحقیق

موضوع ظرفیت مالیاتی و عوامل مؤثر بر آن در کشورهای در حال توسعه برای چند دهه از موضوعات جالب تحقیقی بوده است. در این مطالعات سعی شده با استفاده از داده‌های مقطعی^۱ اقدام به برآورد ظرفیت مالیاتی شود. از این جمله می‌توان به بررسی راجاجی، چالیا^۲ در مورد ۵۰ کشور در حال توسعه در ۱۹۷۱ در زمینه گرایش‌های مالیاتی، مطالعه به‌هنگام‌سازی تنی چند از اقتصاددانان^۳ در مورد تحقیق راجا جی چالیا برای ۴۷ کشور در حال توسعه در سال‌های ۱۹۷۱-۱۹۶۹، بررسی مالیات آلن ای. تایت، و یلفریدال ام. گراتز و باری جی. ایچنگرین^۴ در ۴۷ کشور در حال توسعه در دو مقطع زمانی ۱۹۷۱-۱۹۶۹ و ۱۹۷۶-۱۹۷۲، بررسی ظرفیت مالیاتی ۳۰ کشور در حال توسعه طی سال‌های ۱۹۷۷-۱۹۷۵ در رساله دکترای مسعود احمدی^۵ در ۱۹۸۳، تحقیق صندوق بین‌المللی پول در ۱۹۸۴ با استفاده از یک نمونه ۴۷ تایی از کشورهای در حال توسعه، مطالعه دفتر اقتصاد کلان سازمان برنامه و بودجه در ۱۳۶۴ برای مقایسه کوشش مالیاتی و کار تحقیقاتی بی. داهالبی و ال. اس. ویلسون^۶ (۱۹۹۴) اشاره کرد.

کلیه مطالعات فوق‌الذکر، ظرفیت مالیاتی را به‌عنوان نسبت کل مالیات دریافتی به کل ارزش افزوده کشورها در نظر گرفته‌اند. نتایج نشان می‌دهد که درآمد سرانه به‌عنوان سطح توسعه یافتگی، نسبت مجموع صادرات و واردات به ارزش افزوده به‌عنوان درجه آزادسازی اقتصاد، سهم بخش‌های اقتصادی به‌عنوان ترکیب درآمدی و نرخ سواد آموزی برای سطح سواد و فرهنگ کشور بر ظرفیت مالیاتی (T/Y) مؤثر بوده‌اند.

1. Cross-Section

2. Raja J. Challiah, (1971)

3. R. J. Challiah, H. J. Baasand and M. R. Yelly, (1976)

4. A. A. Tait, W. L. M. Gratz and B. J. Eichengreen, (1979)

5. Ahmadi. Massoud, (1983)

6. B. Dahalby, L. S. Wilson, (1994)

برآورد ظرفیت مالیاتی استانهای کشور ... ۱۲۳

از سوی دیگر محققانی چون حسین عظیمی (۱۳۶۵)، حمیدرضا ارباب (۱۳۶۶)، الیاس نادران (۱۳۶۶)، کمیجانی و فهیم یحیایی (۱۳۷۳) ظرفیت بالقوه مالیاتی در کشور و سایر کشورهای در حال توسعه را مورد بررسی قرار داده‌اند. عوامل شناخته شده و مؤثر بر ظرفیت بالقوه مالیاتی شامل درآمد سرانه، سهم بخش‌های اقتصادی، سطح سواد، نسبت مجموع صادرات و واردات به تولید ناخالص داخلی می‌باشند. به بیانی ساده‌تر، این مطالعات نیز یافته‌های برگرفته از مطالعات پیشین در مورد کشورهای در حال توسعه را تأیید کرده‌اند.

۵. برآورد الگوها و تفسیر نتایج^۱

تاکنون بنا به اهمیت و نقش مالیات‌ها در اقتصاد، ظرفیت مالیاتی به روش‌های گوناگونی برآورد شده است. ظرفیت مالیاتی کل کشور در مقاله حاضر با استفاده از اطلاعات و آمار ۲۸ استان و با الگوی داده‌های تلفیقی برآورد می‌شود. در این قسمت نتایج و تفسیر آنها ارائه می‌شود.

به علت مشکل عمومی نبود آمار و اطلاعات در کشور و دوری از مشکلات کمی تعداد آمار و داده‌ها، الگوها با استفاده از داده‌های تلفیقی^۲ یعنی ادغام داده‌های سری زمانی^۳ دوره (۱۳۸۰-۱۳۷۶) و داده‌های مقطعی^۴ ۲۸ استان برآورد شده‌اند. الگوی تخمینی برای تعیین ظرفیت بالقوه و بالفعل مالیات‌های کل، مستقیم و غیرمستقیم به علت انتخاب و تأکید بر برآورد الگوها در مورد کلیه استان‌ها، از الگوی آثار ثابت^۴ استفاده شده است. از سوی دیگر با توجه به کامل نبودن اطلاعات و آمار تعدادی از استان‌ها در این گروه، ناگزیر به برآورد الگوها با استفاده از داده‌های تلفیقی نامتوازن^۵ هستیم. برای مقایسه و انتخاب بهترین الگوها، معادلات به صورت یک طرفه^۶ و دو طرفه^۷ برآورد شده‌اند.

در الگوهای یک طرفه برای تخمین مقادیر پارامترهای مشترک در الگو فقط تأثیر تفاوت

۱. این الگوها به علت گستردگی، در این مقاله ذکر نشده است. علاقمندان می‌توانند اصل الگوها را از نویسندگان محترم

نفاضا کنند.

2. Panel Data

3. Time Series

4. The Fixed Effect Model

5. Unbalanced Panel Data Models

6. The One-Way Error

7. The Two-Way Error

استانها تفکیک می‌شود. این کار با این توجیه انجام می‌گیرد که مالیات در استان‌های متفاوت، جدای از تفاوت‌های مدیریت، نظام مالیات‌گیری و سایر عوامل موجود در هر استان، تابع عواملی مشترک با ضرایب یکسان است اما در الگوهای دو طرفه علاوه بر جدا کردن تفاوت استان‌ها، آثاری را که در سال‌های متفاوت بر مالیات در استان‌ها به‌جای گذاشته می‌شود و باعث تفاوت معادلات در استان‌ها می‌شود از الگو خارج می‌کنند.

الگوهای دو طرفه جدا از نتایج برآورد به دو دلیل مهم بر الگوهای یک طرفه برتری دارند. نخست، در الگوهای دو طرفه هر دو آثار انحرافی یا به عبارت دیگر آثار زمانی و آثار تفاوت استان‌ها از نظر مدیریت، فرار مالیاتی، کارایی دستگاه جمع‌آوری کننده مالیات و جز آن از ضرایب عوامل مشترک تفکیک می‌شود، پس نتایج برآورد شده به واقعیت نزدیکتر خواهد بود. دوم آنکه روش برآورد این آثار، با استفاده از متغیرهای مجازی در الگو (حداقل مربعات متغیرهای مجازی $LSDV$) است. با افزایش تعداد متغیرها در الگو، درجه آزادی کاهش یافته و در نتیجه این کاهش، حصول به نتیجه و آماره‌های قابل قبول دشوارتر می‌شود. از این رو پس از برآورد الگوهای یک طرفه و دو طرفه، الگوها از نظر نظری و آماری با یکدیگر مقایسه شده و در نهایت الگوهای دو طرفه برای تفسیر ظرفیت مالیات‌های کل، مستقیم و غیرمستقیم انتخاب شده‌اند. در ادامه نتایج الگوهای دو طرفه تفسیر و تحلیل می‌شوند.

متغیر وابسته در معادلات به صورت نسبت مالیاتی کل، مستقیم و غیرمستقیم بر تولید ناخالص داخلی هر استان در نظر گرفته شده و عوامل مهم اثرگذار در کل معادلات شامل سهم ارزش افزوده هر یک از بخش‌های کشاورزی، معدن، صنعت، خدمات و ساختمان در تولید ناخالص استان، درآمد سرانه، نسبت نیروی شاغل ماهر به غیرماهر و نسبت صادرات به تولید ناخالص داخلی استان هستند. از آنجا که آمار صادرات و شاغلان ماهر و غیرماهر استان‌ها موجود نیست، به اجبار این متغیرها از معادله حذف شده‌اند.

برای نمایش ساده‌تر معادله از علامت‌های زیر استفاده می‌شود:

$$i: \text{تعداد استان‌ها } (i = 1, \dots, 28)$$

$$t: \text{تعداد سال‌ها } (t = 1, \dots, 5)$$

$$T_{it}/Y_{it}: \text{نسبت مالیات کل به تولید ناخالص استان به قیمت بازار}$$

$$TDI_{it}/Y_{it}: \text{نسبت مالیات مستقیم به تولید ناخالص استان به قیمت بازار}$$

$$TIN_{it}/Y_{it}: \text{نسبت مالیات غیرمستقیم به تولید ناخالص استان به قیمت بازار}$$

AGR_{it}/Ym_{it} : سهم ارزش افزوده بخش کشاورزی استان؛

IND_{it}/Ym_{it} : سهم ارزش افزوده بخش صنعت استان؛

$MAIN_{it}/Ym_{it}$: سهم ارزش افزوده بخش معدن استان؛

$CONS_{it}/Ym_{it}$: سهم ارزش افزوده بخش ساختمان استان؛

SER_{it}/Ym_{it} : سهم ارزش افزوده بخش خدمات استان؛

Ym_{it}/POP_{it} : درآمد سرانه.

۱-۵. نتایج برآورد الگو

برای تفکیک اثر تفاوت استان‌ها از پارامترهای برآوردی، متغیرهای مجازی بر مبنای استان آذربایجان شرقی و متغیرهای مجازی آثار زمانی سال‌های متفاوت نیز بر مبنای سال ۱۳۷۶ به الگو اضافه شده‌اند. بر مبنای مطالعات ذکر شده در پیشینه تحقیق، ظرفیت مالیاتی در این نوشتار نسبت مالیات دریافتی بر ارزش افزوده کل استان در نظر گرفته شده است. بر همین مبنای نیز ظرفیت مالیاتی بالقوه به صورت مقدار مرزی ظرفیت مالیاتی برآوردی در نظر گرفته شده است. به بیانی ساده‌تر برای محاسبه ظرفیت مالیاتی بالقوه، بیشترین مقدار جزء خطا برای هر استان در دوره زمانی مورد بررسی به مقدار نسبت مالیات به ارزش افزوده برآوردی اضافه شده است.

الف - الگوی برآوردی مالیات کل (دو طرفه): به غیر از معنی‌دار نبودن ضریب تفاوت استان‌های فارس، خراسان، کهگیلویه و بوستمان از استان آذربایجان شرقی، کلیه ضرایب برآوردی الگو معنی‌دار هستند. متغیرهایی که در الگو معنی‌دار بوده‌اند شامل سهم ارزش افزوده بخش صنعت، معدن، ساختمان و خدمات و درآمد سرانه می‌باشند. سهم ارزش افزوده بخش کشاورزی به منظور رفع هم‌خطی شدید میان سهم ارزش افزوده‌ها از مدل حذف شده است.

اجزای اخلاف الگو برای جلوگیری از خود همبستگی به روش حداقل مربعات تعمیم یافته (GLS) برآورد شده‌اند. برآورد الگو با این روش و ماتریس واریانس-کوواریانس وایت^۱ باز نتوانسته خود همبستگی موجود در اجزای اخلاف را حذف کند ($D.W=3/1$). ناکارایی

واریانس در این برآوردها به علت معنی داری بالای ضرایب، تأثیری بر نتایج نداشته است. شاهد این مدعا پایین بودن خطای معیار رگرسیون (۰/۰۰۲) است. مقدار عددی آماره R^2 تعدیل شده (۰/۹۹) نمایانگر توضیح بسیار بالای متغیرهای مستقل در مورد متغیر وابسته است و آماره F (۷۱۶) معنی داری بسیار بالای کلی ضرایب را نشان می‌دهد.

ب - الگوی برآوردی مالیات مستقیم (دو طرفه): نتایج برآورد نشان می‌دهد که در این الگو نیز به غیر از معنی دار نبودن ضریب تفاوت استان‌های فارس، گیلان، خراسان، مرکزی، سمنان و زنجان با استان مینا (آذربایجان شرقی) کلیه ضرایب در سطح ۹۵ درصد معنی دار بوده‌اند. به علت وجود خود همبستگی در اجزای اخلال معادلات، الگو با روش حداقل مربعات تعمیم یافته و ماتریس واریانس - کوواریانس وایت برآورد شده است اما خود همبستگی ($D.W=2/9$) از بین نرفته است. معیار کارایی مقادیر برازش شده ($S.E=0/002$) و مقدار آماره F (۳۱۲۳۹) معنی داری بسیار بالای کلی ضرایب و خوبی برازش را نشان می‌دهند.

ج - الگوی برآوردی مالیات غیرمستقیم (دو طرفه): نتایج حاصل از برآورد الگوی مالیاتهای غیرمستقیم در حالت دو طرفه را نشان می‌دهد که از ۳۶ پارامتر موجود در الگو، پارامترهای سهم ارزش افزوده بخش ساختمان، ضرایب تفاوت استان‌های فارس، همدان، کرمانشاه، خراسان و مازندران با استان مینا (آذربایجان شرقی) در سطح ۹۰ درصد معنی دار نیست.

برآورد این الگو نیز به روش حداقل مربعات تعمیم یافته و ماتریس واریانس - کوواریانس وایت می‌باشد و وجود خود همبستگی در جملات اخلال ($D.W=2/7$) تأیید می‌شود. متغیرهای مستقل، ظرفیت مالیاتهای غیرمستقیم را تا ۹۹ درصد توضیح می‌دهند. مقدار آماره F (۶۷۶۷) و خطای معیار رگرسیون (۰/۰۰۰۲) نمایانگر کارایی برازش و معنی داری کلی ضرایب هستند.

۲-۵. تفسیر نتایج برآورد الگوها

الف - ظرفیت مالیاتی کل (دو طرفه): متغیرهای معنی دار و اثرگذار بر ظرفیت مالیاتی استان‌ها شامل سهم ارزش افزوده بخش صنعت، معدن، ساختمان و خدمات در تولید ناخالص

برآورد ظرفیت مالیاتی استانهای کشور ... ۱۲۷

داخلی هر استان و درآمد سرانه هر استان می‌باشد. مؤثرترین عوامل بر ظرفیت مالیاتی به ترتیب درآمد سرانه، سهم بخش ساختمان، بخش معدن، خدمات و در نهایت بخش صنعت است.

ضرایب متغیرها به جز سهم بخش ساختمان و معدن، مورد انتظار هستند. علامت سهم بخش ساختمان به علت اخذ مالیات و عوارض شهرداری‌ها و در نظر نگرفتن آنها در درآمد مالیاتی، منفی شده است. از سوی دیگر دولتی بودن قسمت بزرگی از بخش معدن، موجب اثرگذاری منفی آن بر ظرفیت مالیاتی شده است. نکته قابل تأمل آنکه بخش ساختمان در هر سه معادله بر ظرفیت مالیاتی اثر منفی داشته و درآمد سرانه به عنوان شاخص توسعه نیافتگی و مؤثرترین عامل، اثر مثبتی بر ظرفیت مالیاتی داشته است.

آثار زمانی بر مبنای سال پایه ۱۳۷۶ بیان‌کننده این واقعیت است که مالیات اخذ شده در هر سال اثری منفی بر سال آتی داشته و این اثر منفی به مرور زمان کاهش می‌یابد. به بیانی ساده‌تر پس از آنکه هر سال نرخ مالیات بیشتری اخذ شده، ظرفیت مالیاتی برای سال آتی کاهش داشته است.

تفاوت استان‌ها در زمینه مدیریت نظام مالیات‌گیری و دیگر آثار غیرقابل مشاهده بر مبنای استان آذربایجان شرقی سنجیده می‌شود، تفاوت استان‌ها با این استان بیان‌کننده آن است که: یکم - استان‌های فارس، خراسان، کهگیلویه و بویراحمد و سمنان در زمینه مدیریت، نظام مالیات‌گیری و دیگر آثار غیرقابل مشاهده، تفاوت معنی‌داری با استان آذربایجان شرقی ندارند.

دوم - ظرفیت مالیاتی مستقل استان‌های اصفهان، بوشهر، ایلام، قزوین، خوزستان، یزد و زنجان از استان آذربایجان شرقی بیشتر است یا به بیان دیگر، ضرایب تفاوت این استان‌ها با استان مبنا مثبت است.

در محاسبه حداکثر ظرفیت مالیاتی کل، مستقیم و غیرمستقیم بالقوه استان‌ها، به مقدار برآزش شده متغیر وابسته، بیشترین جزء اخلاص آن استان به عنوان بالاترین ظرفیت ممکن اضافه شده است.

در سال‌های ۱۳۷۶ و ۱۳۷۷ فقط اطلاعات مربوط به شش استان و در ۱۳۷۸ اطلاعات مربوط به ۱۲ استان از مجموع ۲۸ استان در اختیار بوده و از آنجا که در عمل، امکان تفسیر نتایج در سال‌های ۱۳۷۶، ۱۳۷۷، ۱۳۷۸ برای کلیه استان‌ها در هر سه الگوی

مالیات کل، مستقیم و غیرمستقیم ممکن نبوده، نمودار مربوط به این سالها رسم نشده است. ظرفیت مالیات کل در تمامی سالهای دوره مورد بررسی در کلیه استانها بیشتر از مالیات دریافتی بوده است. نسبت مقادیر مالیات کل به مقادیر برآزش شده در ۱۳۷۹ بیانکننده آن است که بالاترین نرخ مالیات دریافتی ۸۹ درصد و مربوط به استان کرمانشاه و پایینترین نسبت برابر ۱۰ درصد و مربوط به استان خراسان می باشد و از کل ظرفیت مالیات کشور در ۱۳۷۹ مقدار ۶۸ درصد آن دریافت شده است.

نسبت مالیات کل به مقادیر برآزش شده برای ۱۳۸۰ نشان می دهد که استان کرمانشاه با ۹۴ درصد، استان چهارمحال و بختیاری با ۴۵ درصد به ترتیب بالاترین و پایینترین درصد دریافت مالیات را داشته اند و از کل ظرفیت مالیات بالقوه کشور در ۱۳۸۰ مقدار ۷۷ درصد آن دریافت شده است. اطلاعات مربوط به نرخ نسبت مالیات کل بالفعل به بالقوه کلیه استانها بر حسب سالهای مورد بررسی در جدول شماره ۴ آمده است.

در برآورد الگو به روش داده های تلفیقی، یک معادله کلی برای کلیه استانها برآورد شده و آماره های سنجش کارایی برآزش و اعتبار الگوی برآوردی برای یک معادله کلی خواهد بود. این شیوه سه نقص دارد، نخست، ارائه نکردن آماره هایی به منظور سنجش برآزش معادلات برای تک تک استانها، دوم، نبود امکان شناسایی معادلات برای استانهایی که برآزش کلی الگوی مشترک را با مشکل روبه رو می کنند و سوم، ناطمینانی از صحت نتایج و استدلالها برای تمامی استانها.

برای رفع این مشکل الگوی ظرفیت مالیاتی را به صورت سیستمی از ۲۸ معادله استانی به روش حداقل مربعات تعمیم یافته برآورد کرده ایم.^۱ در عمل، پارامترهای برآوردی با مقادیر برآوردی از الگوی کلی یکسان بوده اند از این رو از تکرار آنها خودداری شده است. نکته مورد توجه صفر بودن دترمینان کوواریانس جزء خطاها بوده و به این علت تنها آماره ارائه شده برای معادلات استانها آماره دوربین واتسون^۲ می باشد. این آماره ها در ستون اول جدول شماره ۴ آمده اند. با توجه به مقادیر این آماره می توان تا حدود زیادی مشکلات

۱. نکته لازم به ذکر در برآورد معادلات، مشترک بودن ضرایب در ۲۸ معادله است. این امر باعث می شود که درجه آزادی سیستم معادلات (NT-K) کاهش نیافته و برابر ۴۲ باشد.

برآورد ظرفیت مالیاتی استانهای کشور ... ۱۲۹

یادشده را رفع کرد و اذعان نمود که نتایج استان‌های اصفهان، زنجان، تهران، کرمانشاه، مازندران، فارس و آذربایجان شرقی به علت وجود خودهمبستگی جای تردید دارند. به بیانی دیگر این استان‌ها نتایج الگوی کلی داده‌های تلفیقی را تحت تأثیر قرار داده و با وجود برآورد معادله با روش حداقل مربعات تعمیم یافته و در نظر گرفتن ماتریس وارینانس - کوواریانس وایت، این نتایج را با خودهمبستگی روبه‌رو کرده‌اند. به بیانی دیگر نتایج هشت معادله از ۲۸ استان کل کشور جای تردید داشته و به عنوان یک معیار نسبی می‌توان گفت که نتایج مورد اشاره تا ۲۹ درصد جای تردید دارند.

ب - ظرفیت مالیات مستقیم (دو طرفه): همان‌گونه که می‌دانیم مالیات مستقیم یکی از اجزای اصلی مالیات کل است. مالیاتهای مستقیم خود به مالیات بر شرکت‌ها، مالیات بر درآمد و مالیات بر ثروت تقسیم می‌شوند. انتظار می‌رود به علت مسائل و مشکلات دریافت مستقیم مالیاتهای مستقیم از اشخاص حقیقی یا حقوقی، شکاف بین توان واقعی و نرخ وصولی وجود داشته باشد و در مقایسه با مالیاتهای غیرمستقیم که با نرخ قانونی مشخص به‌طور غیرمستقیم اخذ می‌شود و فرار مالیاتی کمتری به همراه دارد، بیشترین سهم را در ایجاد شکاف بین مالیاتهای دریافتی و ظرفیت واقعی داشته باشد.

با توجه به جدول شماره ۲ همان متغیرهایی که بر ظرفیت مالیات کل تأثیر دارند در اینجا نیز با همان علامت بر ظرفیت مالیات مستقیم تأثیر گذارند. تنها متغیری که در این الگو به علت معنی‌دار نبودن حذف شده، سهم بخش معدن است.

همگی ضرایب به جز ضریب تفاوت موجود بین استان‌های فارس، گیلان، خراسان، سمنان و زنجان با استان مبنا (آذربایجان شرقی) در سطح ۹۵ درصد معنی‌دار هستند. علامت ضرایب برای سهم بخش‌های صنعت، خدمات و درآمد سرانه مورد انتظار هستند اما مانند الگوی ظرفیت مالیاتی کل، ضریب سهم بخش ساختمان مورد انتظار نیست. توضیح این مطلب مشابه الگوی ظرفیت مالیاتی کل در گرفتن مالیات از بخش ساختمان است که بیشتر به شکل عوارض شهرداری‌ها بوده و در درآمد مالیاتی منظور نمی‌شود. اثربخش‌ترین عوامل بر ظرفیت مالیاتهای مستقیم بر درآمد سرانه، به ترتیب سهم بخش‌های ساختمان، خدمات و صنعت است.

با توجه به این نکته که دو جزء مالیات بر درآمد و مالیات بر ثروت مهم‌ترین اجزاء مالیاتهای مستقیم هستند هر چه شکاف درآمدی در استان‌ها بیشتر و توزیع درآمد و ثروت

نابرابرتر باشد به همان نرخ نیز ظرفیت پایه‌های مالیاتی، افزایش و تعداد مؤدیان کاهش و در نتیجه فرار مالیاتی کمتر می‌شود. به بیانی ساده‌تر می‌توان گفت که هر گاه افزایش درآمد سرانه در استان‌ها همراه با کاهش شکاف درآمدی و توزیع برابر درآمدی باشد ظرفیت مالیاتی نیز کاهش می‌یابد. مقدار و علامت متغیر درآمد سرانه ($0/15$) در معادله بیان‌کننده آن است که افزایش درآمد سرانه با توزیع نابرابر درآمدی صورت گرفته و ظرفیت مالیاتی را افزایش داده است.

سال پایه برای مقایسه آثار زمانی ۱۳۷۶ بوده و از آنجا که سال آتی در شیوه برآورد ظرفیت مالیاتی ضریبی از سال پیش می‌باشد، علامت ضرایب منفی هستند. روند نزولی آثار زمانی و منفی بودن ضرایب این مطلب را تأیید می‌کند. به بیانی ساده‌تر سازوکار برآورد ظرفیت مالیاتی از انتظارات تطبیقی پیروی می‌کند. کلیه ضرایب حاصل از تفاوت سازوکار و نظام مالیات‌گیری استان‌ها با استان آذربایجان شرقی به جز استان فارس، گیلان، خراسان، سمنان و زنجان، معنی‌دار می‌باشند.

نسبت مقادیر مالیات مستقیم کل به مقادیر برآزش شده در ۱۳۷۹ نشان می‌دهد که استان یزد با ۸۸ درصد به ترتیب بالاترین و استان خراسان با ۲۵ درصد، پایین‌ترین نسبت مالیات دریافتی را داشته‌اند. از کل ظرفیت مالیاتی کشور در ۱۳۷۹ مقدار ۷۵ درصد آن دریافت شده و بیشتر استان‌ها در دامنه ۶۰ تا ۸۰ درصد قرار دارند.

نسبت مالیاتهای مستقیم دریافتی به ظرفیت واقعی در ۱۳۸۰ بیان‌کننده آن است که بیشترین نرخ با ۹۴ درصد مربوط به استان کرمان و کمترین نرخ با ۴۵ درصد مربوط به کهگیلویه و بویراحمد بوده است. بر این اساس از کل ظرفیت مالیاتی مستقیم در ۱۳۸۰ نزدیک به ۸۲ درصد آن دریافت شده است. به بیان ساده‌تر بیشتر استان‌های کشور در دامنه ۷۰ تا ۹۰ درصد واقع بوده و در مقایسه با ۱۳۷۹ مالیات مستقیم بیشتری دریافت شده و به ظرفیت واقعی کشور نزدیک‌تر شده‌ایم.

همان‌گونه که گفته شد برای اجتناب از مشکلاتی نظیر ارائه نکردن آماره‌هایی برای معادلات برآزشی، نبود امکان شناسایی استان‌های مشکل آفرین در الگوی اصلی و نااطمینانی از صحت نتایج و استدلال‌ها، الگوی ظرفیت مالیاتی مستقیم را به صورت سیستمی از ۲۸ معادله استانی به روش حداقل مربعات تعمیم یافته برآورد کرده‌ایم. مقادیر پارامترهای برآوردی در عمل با مقادیر برآوردی الگوی کلی به صورت تلفیقی یکسان بوده‌اند. به همین

دلیل از تکرار آنها خودداری شده است.

نکته مورد توجه، آنکه درمیان کوواریانس جزء خطاها صفر است و به این علت تنها آماره ارائه شده برای معادلات استانها، آماره دوربن واتسون می‌باشد. این آماره‌ها در ستون اول جدول شماره ۵ آمده‌اند. با توجه به مقادیر این آماره می‌توان تا حدود زیادی مشکلات یادشده را رفع کرد. علاوه بر این نتایج، مقادیر نسبت مالیات مستقیم دریافتی به مقادیر مالیات مستقیم برآوردی نیز در این جدول آمده است.

با توجه به این آماره‌ها می‌توان گفت که نتایج استان‌های اصفهان، زنجان، مازندران، خراسان، خوزستان، کرمانشاه، فارس، چهارمحال و بختیاری و آذربایجان شرقی به علت وجود خودهمبستگی جای تردید دارند. یعنی این استان‌ها نتایج الگوی کلی داده‌های تلفیقی را تحت تأثیر قرار داده و با وجود برآورد معادله با روش حداقل مربعات تعمیم یافته و در نظر گرفتن ماتریس واریانس - کوواریانس وایت نتایج را با خودهمبستگی روبه‌رو کرده‌اند. به بیانی دیگر نتایج و نه معادله از ۲۸ استان جای تردید داشته و به عنوان یک معیار نسبی می‌توان گفت تا ۳۲ درصد مورد تردید است.

ج - ظرفیت مالیاتهای غیرمستقیم (دوطرفه): مالیاتهای غیرمستقیم در واقع بخش دوم تشکیل‌دهنده مالیاتهای کل است و برخلاف مالیاتهای مستقیم براساس نرخ مشخص و قانونی بر واردات، مصرف و فروش کالاها وضع شده و به‌طور غیرمستقیم از افراد گرفته می‌شود. در این نوع مالیات، مشکل محاسبه و تعیین مالیات و ارتباط مستقیم با مؤدیان وجود ندارد و می‌توان انتظار داشت که نرخ تفاوت موجود میان مالیات دریافتی و ظرفیت مالیاتی بالقوه اندک باشد.

با توجه به جدول شماره ۳ می‌توان دریافت که ترکیب متغیرهای تأثیرگذار بر متغیر ظرفیت مالیاتهای غیرمستقیم با دو الگوی قبلی تقریباً مشابه است. متغیرهای تأثیرگذار بر ظرفیت مالیاتهای غیرمستقیم در این الگو شامل سهم بخش‌های خدمات، ساختمان و صنعت در تولید ناخالص استانها و درآمد سرانه است. سهم بخش معدن بر الگو تأثیرگذار نبوده و از آنجا که سهم محصولات معدنی در گروه کالاهای مصرفی بسیار پایین است در الگو نیز معنی‌دار نمی‌باشد. از سوی دیگر علامت بخش ساختمان نیز مشابه دو معادله پیشین منفی بوده ولی در این معادله معنی‌دار نیست. علت این امر را می‌توان در اجزای تشکیل‌دهنده بخش ساختمان جستجو کرد. در آمارنامه‌های حساب‌های منطقه‌ای، اجزای آب، برق و گاز نیز به

این بخش اضافه شده است. مالیات غیرمستقیمی که از این اجزا دریافت شده، آثار منفی این بخش را بر مالیات غیرمستقیم بی‌معنا کرده است. سهم بخش کشاورزی نیز به علت اجتناب از هم‌خطی بین سهم بخش‌ها و ارزش افزوده استان‌ها از معادله حذف شده است.

افزایش درآمد سرانه در استان‌ها علاوه بر افزایش توسعه‌یافتگی، باعث کاهش مصرف کالاهای ضروری و مصرف بیشتر کالاهای لوکس خواهد شد. به بیانی ساده‌تر استفاده از کالاهای لوکس که ظرفیت مالیاتی بیشتری دارند افزایش خواهد یافت. این عوامل و آثار آن موجب شده است که علامت اثر این متغیر بر متغیر وابسته مثبت و بیشترین (۰/۰۳۲) باشد. علامت سهم بخش صنعت (۰/۰۳۱) در مقایسه با بخش خدمات (۰/۰۲۹) به علت وجود شفافیت و امکان کمتر فرار مالیاتی، بیشتر بوده است.

کلیه ضرایب الگو به جز ضرایب تفاوت استان‌های فارس، همدان، کرمانشاه، خراسان و مازندران با استان آذربایجان شرقی در سطح ۹۰ درصد معنی‌دار بوده‌اند. اثر زمانی در ۱۳۷۷ بر مبنای سال ۱۳۷۶ منفی و در بقیه سال‌ها مثبت بوده و اثر زمانی سال ۱۳۷۹ معنی‌دار نبوده است.

نسبت مالیات غیرمستقیم کل به مقادیر برآزش شده در ۱۳۷۹ بیان‌کننده آن است که بالاترین نرخ دریافتی برابر ۱۱۴ درصد و مربوط به استان همدان و پایین‌ترین نسبت برابر ۱۴ درصد و مربوط به استان اردبیل بوده است. از کل ظرفیت مالیاتی در ۱۳۷۹ مقدار ۴۸ درصد آن دریافت شده و بیشتر استان‌ها در دامنه ۱۰ تا ۶۰ درصد قرار دارند.

بررسی نسبت مالیات‌های غیرمستقیم دریافتی به ظرفیت واقعی در ۱۳۸۰ نشان می‌دهد که استان آذربایجان شرقی با ۱۰۵ درصد بیشترین و استان لرستان با ۱۱ درصد کمترین مالیات اخذ شده نسبت به ظرفیت مالیاتی را دارا می‌باشند. بر این اساس از کل ظرفیت مالیات غیرمستقیم کشور در ۱۳۸۰ در حدود ۳۳ درصد آن اخذ شده و بیشتر استان‌های کشور در دامنه ۲۰ تا ۶۰ درصد واقع بوده‌اند. البته باید گفت که مالیات غیرمستقیم کمتری در مقایسه با ۱۳۷۹ اخذ شده است. نکته قابل توجه آنکه از استان‌های مرزی به دلیل صادرات و واردات بیشتر مالیات بیشتری نیز گرفته شده است.

همان‌گونه که برای معادلات پیشین گفته شد به منظور درک بیشتر از الگوی ظرفیت مالیاتی غیرمستقیم، آن را نیز به صورت سیستمی (۲۸ معادله استانی) به روش حداقل مربعات تعمیم یافته برآورد کرده‌ایم. مقادیر پارامترهای برآوردی در عمل با مقادیر برآوردی الگوی

برآورد ظرفیت مالیاتی استانهای کشور ... ۱۳۳

کلی به صورت تلفیقی یکسان بوده‌اند و به همین علت از تکرار این مقادیر خودداری شده است. نکته مورد توجه صفر بودن دترمینان کوواریانس جزء خطاها بوده و به این علت تنها آماره ارائه شده برای معادلات استان‌ها، آماره دورین واتسون می‌باشد. این آماره‌ها در ستون اول جدول شماره ۶ آمده‌اند. مقادیر این آماره تا حدود زیادی صحت نتایج ذکر شده را مشخص می‌کند. علاوه بر این نتایج، نسبت مالیات غیرمستقیم دریافتی به مالیات غیرمستقیم برآوردی نیز در این جدول آمده است.

با توجه به این آماره‌ها می‌توان گفت که نتایج استان‌های اصفهان، تهران، زنجان، مازندران، خراسان، خوزستان، کرمانشاه، همدان، فارس، چهارمحال و بختیاری و آذربایجان شرقی به علت وجود خودهمبستگی جای تردید دارند. به بیانی دیگر این استان‌ها نتایج الگوی کلی داده‌های تلفیقی را تحت تأثیر قرار داده و با وجود برآورد معادله با روش حداقل مربعات تعمیم یافته و در نظر گرفتن ماتریس واریانس - کوواریانس وایت آن نتایج را با خود همبستگی روبه‌رو کرده‌اند. از این رو نتایج ۱۰ معادله از ۲۸ استان کل کشور جای تردید داشته و به عنوان یک معیار نسبی می‌توان گفت که نتایج مورد اشاره تا ۳۶ درصد جای تردید دارند.

۶. نتیجه‌گیری

با توجه به جدول شماره‌های ۴، ۵ و ۶ ظرفیت مالیاتی کل، مستقیم و غیرمستقیم طی دوره مورد بررسی (۱۳۸۰-۱۳۷۶) بالاتر از مقادیر واقعی مالیات کل، مستقیم و غیرمستقیم دریافتی بوده‌اند. به بیانی ساده‌تر استان‌های کشور به طور کامل از ظرفیت مالیاتی خود استفاده نمی‌کنند.

با توجه به اطلاعات جدول شماره ۴ از کل ظرفیت مالیاتی در سال‌های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰ به ترتیب ۶۸ و ۷۷ درصد مالیات اخذ شده است. به بیانی ساده‌تر شکاف موجود بین ظرفیت مالیات کل و مالیات دریافتی در حال کاهش است. براساس برآورد سیستمی، نتایج استان‌های کرمانشاه، زنجان، تهران، مازندران، خراسان، فارس، اصفهان و آذربایجان شرقی به علت وجود خودهمبستگی جای تردید دارند.

این نتیجه علاوه بر آشکار کردن شکاف بین مالیات دریافتی و ظرفیت مالیاتی بازگوکننده آن است که مالیات دریافتی متناسب با رشد درآمدهای کشور نبوده است. ذکر این نکته

ضروری است که شکاف بین مالیات دریافتی و ظرفیت مالیاتی، مشکلی است که در همه استان‌ها وجود دارد. تفاوت در این نسبت در استان‌های مختلف نشان‌دهنده نبود تلاش یکسان در استان‌های کشور برای اخذ مالیات است. این مسأله به بی‌تعادلی‌های منطقه‌ای منتهی و فاصله اقتصادی استان‌های کشور را افزایش خواهد داد.

در بین عواملی که بر افزایش درآمد و ظرفیت مالیاتی مؤثر هستند ضرایب متغیرها به جز سهم بخش ساختمان و معدن مورد انتظار می‌باشد. علامت سهم بخش ساختمان به علت اخذ مالیات و عوارض شهرداری‌ها و در نظر نگرفتن آنها در درآمد مالیاتی، منفی شده است. از سوی دیگر دولتی بودن قسمت عمده‌ای از بخش معدن، اثر کاهنده‌ای بر ظرفیت مالیاتی دارد. اما درآمد سرانه به‌عنوان شاخص توسعه‌یافتگی و مؤثرترین عامل، اثر مثبتی بر ظرفیت مالیاتی داشته است.

نتایج جدول شماره ۱ در مورد آثار تفاوت استانی و زمانی، بیان‌کننده آن است که قزوین بیشترین کارایی و تهران بیشترین ناکارآمدی را در مقایسه با استان آذربایجان غربی در نظام مالیاتی داشته است. در هر سال نسبت به ۱۳۷۶ (سال مبنا) اثری کاهشی بر ظرفیت مالیاتی البته با روندی کاهنده در دوره مورد بررسی داشته‌ایم. به بیانی ساده‌تر شرایط اقتصادی، عوامل انسانی و نظایر آن به‌گونه‌ای کاهنده بر ظرفیت مالیاتی اثر گذاشته‌اند.

از کل ظرفیت مالیاتهای مستقیم در سال‌های (۱۳۸۰-۱۳۷۹) به ترتیب ۷۵ و ۸۲ درصد آنها اخذ شده است. به عبارت دیگر شکاف مالیات مستقیم نیز مانند مالیاتهای کل در حال کاهش است. برآورد سیستمی از ظرفیت مالیات مستقیم نشان می‌دهد که نتایج برآوردی برای استان‌های اصفهان، زنجان، مازندران، خراسان، خوزستان، کرمانشاه، فارس، چهارمحال و بختیاری و آذربایجان شرقی به‌علت وجود خودهمبستگی جای تردید دارند.

نسبت ظرفیت مالیات مستقیم و مالیات دریافتی علاوه بر آشکارکردن شکاف اندک بین مالیات مستقیم دریافتی و ظرفیت مالیاتی، نشان دهنده آن است که تلاش یکسانی برای اخذ مالیات مستقیم در استان‌های مختلف صورت نمی‌گیرد و این امر، بی‌تعادلی‌های منطقه‌ای و شکاف درآمدی میان استان‌ها را افزایش خواهد داد.

در بین عواملی که بر افزایش ظرفیت مالیات مستقیم مؤثرند، تنها ضریب سهم بخش ساختمان مورد انتظار نبوده که علت این امر را می‌توان در اخذ مالیات و عوارض شهرداری‌ها و در نظر نگرفتن آنها در درآمد مالیاتی و نبود امکان تعیین نرخ دارایی‌ها جستجو کرد. درآمد

برآورد ظرفیت مالیاتی استانهای کشور ... ۱۳۵

سرانه نیز به عنوان شاخص توسعه یافتگی و مؤثرترین عامل بر ظرفیت مالیات مستقیم، دارای اثر مثبت می‌باشد.

آثار تفاوت استانی و زمان برآوردی برای الگوی ظرفیت مالیاتهای مستقیم بیان‌کننده آن است که استان قزوین در مقایسه با استان آذربایجان غربی، به عنوان کارآمدترین استان در دریافت مالیات مستقیم بوده و تهران نیز در این مقایسه ناکارآمدترین استان می‌باشد. روند کاهنده آثار زمانی در ظرفیت مالیات مستقیم البته در دوره مورد بررسی نسبت به ۱۳۷۶ (سال مبنا) نزولی بوده است.

نتایج نشان می‌دهد که قسمت مهمی از شکاف موجود بین مالیات کل دریافتی و ظرفیت واقعی، مربوط به شکاف بین مالیاتهای غیرمستقیم دریافتی و ظرفیت واقعی آن است. مطالعه انجام شده نشان می‌دهد که نسبت دو متغیر مذکور به طور متوسط در کل استانهای کشور در سالهای ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰ به ترتیب ۴۸ و ۳۳ درصد بوده است. برآورد سیستمی برای ظرفیت مالیاتهای غیرمستقیم، نتایج برآوردی استانهای اصفهان، تهران، زنجان، مازندران، خراسان، خوزستان، کرمانشاه، همدان، فارس، چهارمحال و بختیاری و آذربایجان شرقی را مورد تردید قرار داده است.

علامت ضریب در سهم بخش ساختمان در الگوی ظرفیت مالیاتهای غیرمستقیم نیز منفی بوده و درآمد سرانه به عنوان مؤثرترین عامل دارای اثر مثبت است. نتایج آثار ثابت استانی بیان‌کننده کارآمدی بالای استان آذربایجان غربی و ناکارآمدی استان تهران در مقایسه با استان آذربایجان شرقی است. آثار زمانی بر خلاف ظرفیت مالیات کل و مستقیم دارای اثر مثبت بر ظرفیت مالیات غیرمستقیم می‌باشد.

به این ترتیب به منظور افزایش درآمد مالیاتی و کاهش شکاف بین ظرفیت مالیاتی و مالیات دریافتی باید در اخذ مالیاتهای غیرمستقیم و افزایش درآمد سرانه استان‌ها کوشید.

تبادل منطقه‌ای در کشور نیازمند همسانی تلاش مالیاتی با ایجاد مشوق و انگیزه‌های درآمد - هزینه در استانهای کشور است. همچنین در راستای کارآمدی و بهبود نظام مالیاتی در استان تهران به عنوان ناکارآمدترین استان در اخذ مالیاتهای مستقیم و غیرمستقیم، بایستی تلاش مضاعف کرد.

جدول شماره ۱: الگوی برآورد مالیات کل

آماره /	مقدار پارامتر	متغیرها
۴/۴۶۹۵۰۳	۰/۰۱۲۱۱۴	C
۴/۸۵۷۰۱۶	۰/۰۱۸۷۳۵	(IND _{it} /YM _{it})
-۸/۲۷۰۴۴۷	-۰/۰۳۳۵۵۲	(MAIN _{it} /YM _{it})
-۴/۳۴۸۴۸۳	-۰/۰۶۸۱۸۴	(CONS _{it} /YM _{it})
۶/۴۵۶۷۴۹	۰/۰۲۲۵۹۷	(SER _{it} /YM _{it})
۱۱/۱۳۹۷۸	۰/۳۹۴۳۸۲	(YM _{it} /POP _{it})
-۸/۲۹۳۶۹۳	-۰/۰۰۳۸۳۵	DUAGHAR
-۱۳/۳۹۹۳۰	-۰/۰۰۸۲۷۳	DUARD
۲/۳۶۶۲۸۹	۰/۰۰۳۹۷۲	DUASF
-۲۰/۱۶۳۷۸	-۰/۰۰۱۸۷۶۱	DUTEH
۴/۹۳۳۱۵۷	۰/۰۰۸۰۷۶	DUBOSH
-۴/۵۷۹۱۳۶	-۰/۰۰۲۹۲۷	DUCHAR
۵/۳۴۵۹۲۷	۰/۰۰۶۹۷۸	DUEIL
-۰/۰۰۵۸۰۷	-۳/۷۶E-۰۶	DUFAR
۶/۷۹۲۳۲۹	۰/۰۰۱۳۰۷۵	DUGHAZ
-۲۶/۶۹۹۹۱	-۰/۰۰۹۲۹۱	DUGHO
-۳/۶۰۷۵۴۷	-۰/۰۰۲۵۹۵	DUGIL
-۱۲/۳۰۳۳۱	-۰/۰۰۹۵۲۵	DUGOL
-۳/۵۸۷۰۱۶	-۰/۰۰۶۳۳۳	DUHAM
-۷/۷۷۴۲۴۹	-۰/۰۰۷۲۹۸	DUHOR
-۵/۶۳۷۳۲۳	-۰/۰۰۳۶۰۹	DUKER
-۳/۲۷۰۹۹۸	-۰/۰۰۲۸۴۳	DUKERN
۸/۰۲۲۳۳۱	۰/۰۰۹۵۱۷	DUKHO
-۰/۷۰۸۱۶۶	-۰/۰۰۶۰۶۵	DUKHOR

۱/۲۲۸۸۴۷	۰/۰۰۲۵۷۰	DUKOH
-۱۵/۰۸۳۷۶	-۰/۰۱۱۲۲۸	DUKOR
-۲/۳۳۰۷۲۷	-۰/۰۰۸۱۸۸	DULOR
-۳/۵۴۷۲۹۳	-۰/۰۰۳۵۴۷	DUMAR
-۶/۷۵۳۴۳۳	-۰/۰۰۵۷۸۸	DUMAZ
-۱/۴۹۲۶۵۴	-۰/۰۰۱۰۵۰	DUSEM
-۵/۰۲۴۱۷۲	-۰/۰۰۴۱۷۳	DUSIS
۲/۷۳۴۸۲۲	۰/۰۰۵۱۹۱	DUYAZ
۱/۶۴۸۸۳۳	۰/۰۰۹۱۱۶	DUZAN
-۶/۰۶۲۵۵۴	-۰/۰۰۵۶۸۴	D77
-۶/۹۰۵۲۴۶	-۰/۰۰۶۴۴۲	D78
-۵/۰۱۰۰۶۴	-۰/۰۰۴۹۰۲	D79
-۳/۲۰۵۱۹۶	-۰/۰۰۳۲۰۹	D80

جدول شماره ۲: الگوی برآورد مالیات مستقیم

آماره t	مقدار پارامتر	متغیرها
۲/۹۲۹۸۲	۰/۰۱۰۵۹۰	C
۴/۴۵۸۹۵	۰/۰۲۳۶۸۳	(IND_{it}/YM_{it})
۴/۹۳۲۰۲	۰/۰۲۳۹۸۲	(SER_{it}/YM_{it})
-۷/۹۱۷۲	-۰/۰۹۵۸۷۷	$(CONS_{it}/YM_{it})$
۳/۸۵۲۴۵	۰/۰۱۴۷۴۴۷	(YM_{it}/POP_{it})
-۶/۸۱۴۷	-۰/۰۰۴۴۹۴	DUAGHAR
-۸/۶۱۰۶	-۰/۰۰۶۹۰۶	DUARD
۵/۱۹۹۳۴	۰/۰۰۵۸۱۷	DUASF
-۱۵/۱۷۸	-۰/۰۱۶۱۶۵	DUTEH
۸/۹۶۱۵۸	۰/۰۱۱۵۳۵	DUBOSH
-۱/۷۴۹۹	-۰/۰۰۱۳۳۷	DUCHAR
-۲/۶۳۵۴۰۷	-۰/۰۰۴۲۸۸	DUEIL
۰/۶۱۰۶۸۳	۰/۰۰۰۴۴۸	DUFAR
۷/۸۱۰۲۸۲	۰/۰۱۴۵۲۱	DUGHAZ
-۱۴/۸۶۵۳۲	-۰/۰۰۸۶۸۱	DUGHO
-۱/۰۴۷۰۶۳	-۰/۰۰۰۷۱۲	DUGIL
-۹/۱۴۵۵۶۸	-۰/۰۰۸۶۲۴	DUGOL
-۲/۰۳۴۸۰	-۰/۰۰۵۴۷۲	DUHAM
-۳/۵۹۸۸۸۹	-۰/۰۰۴۶۰۱	DUHOR
-۴/۳۳۵۰۱۶	-۰/۰۰۲۶۹۳	DUKER
-۳/۴۷۶۴۲۰	-۰/۰۰۳۶۶۶	DUKERN
-۲/۳۱۷۲۰۰	-۰/۰۰۴۶۶۷	DUKHO
-۰/۶۹۳۴۰۳	-۰/۰۰۵۸۹۳	DUKHOR
-۴/۶۳۰۲۱۲	-۰/۰۱۴۵۵۷	DUKOH

برآورد ظرفیت مالیاتی استانهای کشور ... ۱۳۹

ادامه جدول شماره ۲:

-۱۲/۱۰۱۴۳	-۰/۰۱۰۲۹۹	<i>DUKOR</i>
-۳/۱۹۵۹۳۶	-۰/۰۰۷۶۸۰	<i>DULOR</i>
-۰/۸۲۵۰۷۰	-۰/۰۰۰۸۹۴	<i>DUMAR</i>
-۳/۹۳۵۹۳۲	-۰/۰۰۴۲۲۶	<i>DUMAZ</i>
۰/۸۸۳۳۲۹	۰/۰۰۰۷۸۳	<i>DUSEM</i>
-۲/۴۰۸۱۰۹	-۰/۰۰۲۳۲۳	<i>DUSIS</i>
۲/۰۵۰۸۰۶	۰/۰۰۵۷۰۳	<i>DUYAZ</i>
۱/۰۷۴۸۳۷	۰/۰۰۹۱۰۶	<i>DUZAN</i>
-۶/۸۵۲۶۱۳	-۰/۰۰۵۰۵۸	<i>D77</i>
-۸/۸۰۵۲۴۵	-۰/۰۰۵۷۲۳	<i>D78</i>
-۴/۸۵۵۶۱۰	-۰/۰۰۳۴۸۶	<i>D79</i>
-۲/۵۰۱۰۸۹	-۰/۰۰۱۸۸۵	<i>D80</i>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

۱۴۰ پژوهشها و سیاستهای اقتصادی شماره ۳۵

جدول شماره ۳: الگوی برآورد مالیات غیرمستقیم

متغیرها	مقدار پارامتر	آماره χ^2
C	-۰/۰۰۰۷۵۸	-۲/۱۲۵۴۶۱
$(CONS_{it}/YM_{it})$	-۰/۰۰۱۴۸۴	-۱/۶۰۶۱۷۱
(IND_{it}/YM_{it})	۰/۰۰۳۰۷۶	۷/۴۷۲۵۵۶
(SER_{it}/YM_{it})	۰/۰۰۲۹۵۰	۶/۱۳۱۹۰۰
(YM_{it}/POP_{it})	۰/۰۳۱۸۱۳	۲/۰۵۹۱۰۹
DUAGHAR	۰/۰۰۱۱۷۷	۱۴/۷۵۹۲۵
DUARD	-۰/۰۰۰۸۶۲	-۱۰/۲۰۸۱۹
DUASF	-۰/۰۰۰۳۷۹	-۲/۷۹۹۶۶۴
DUTEH	-۰/۰۰۱۸۷۵	-۳/۷۵۸۱۹۹
DUBOSH	-۰/۰۰۱۱۴۶	-۷/۵۵۱۷۶۹
DUCHAR	-۰/۰۰۰۴۹۰	-۳/۶۱۴۳۸۶
DUEIL	-۰/۰۰۰۶۵۰	-۵/۱۰۱۰۴۶
DUFAR	۰/۰۰۰۳۰۵	۰/۷۲۰۰۵۶
DUGHAZ	-۰/۰۰۱۰۲۶	-۱۰/۳۲۵۹۲
DUGHO	-۰/۰۰۰۹۳۷	-۵/۹۴۳۱۸۹
DUGIL	-۰/۰۰۰۳۰۱	-۱/۸۵۴۷۶۵
DUGOL	-۰/۰۰۰۳۹۶	-۴/۴۳۲۲۵۹
DUHAM	۳/۰۷E-۰۵	۰/۲۹۷۲۳۲
DUHOR	-۰/۰۰۰۸۵۸	-۵/۰۹۷۴۸۸
DUKER	-۰/۰۰۰۱۶۰	-۱/۳۳۲۶۱۷
DUKERN	-۰/۰۰۰۴۳۳	-۴/۳۴۷۳۱۳
DUKHO	-۰/۰۰۰۴۵۶	-۳/۱۳۱۹۸۰
DUKHOR	۰/۰۰۰۴۹۹	۱/۵۰۳۷۹۱
DUKOH	-۰/۰۰۱۲۵۴	-۲/۵۴۳۸۷۶

برآورد ظرفیت مالیاتی استانهای کشور ... ۱۴۱

ادامه جدول شماره ۳:

-۱۴/۳۷۵۳۶	-۰/۰۰۱۲۵۲	<i>DUKOR</i>
-۱۴/۷۸۵۸۹	-۰/۰۰۱۲۱۴	<i>DULOR</i>
-۱۴/۴۷۲۰۶	-۰/۰۰۱۶۸۰	<i>DUMAR</i>
-۱/۶۳۰۷۳۸	-۰/۰۰۰۲۴۹	<i>DUMAZ</i>
-۱۱/۹۸۹۸۹	-۰/۰۰۰۹۶۱	<i>DUSEM</i>
-۷/۸۴۵۶۰۱	-/۰۰۰۷۶۸	<i>DUSIS</i>
-۹/۷۲۰۵۳۲	-۰/۰۰۰۸۳۷	<i>DUYAZ</i>
-۸/۹۸۰۴۷۲	-۰/۰۰۰۹۸۵	<i>DUZAN</i>
-۱/۶۵۵۸۱۰	-۰/۰۰۰۲۳۳	<i>D77</i>
۱/۷۱۷۹۰۱	۰/۰۰۰۲۳۴	<i>D78</i>
۰/۹۹۷۶۳۱	۰/۰۰۰۱۴۱	<i>D79</i>
۱/۸۳۵۲۲۰	۰/۰۰۰۲۷۸	<i>D80</i>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

۱۴۲ پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی شماره ۳۵

جدول شماره ۴: نسبت مالیات کل بالفعل به بالقوه برای کلیه استان‌ها

نام استان	D-W	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰
آذربایجان غربی	۲/۰۰	#	#	#	۷۲	۸۶
اردبیل	۲/۰۰	#	#	#	۶۵	۸۲
اصفهان	۲/۵۲	۸۲	۸۶	۷۸	۸۶	۸۹
آذربایجان شرقی	۱/۰۸	#	#	۷۷	۷۹	۸۹
بوشهر	۲/۰۰	#	#	#	۷۴	۸۹
چهارمحال و بختیاری	۱/۹۱	۶۷	۴۶	۴۱	۴۶	۴۵
ایلام	۲/۰۰	#	#	#	۶۳	۷۰
فارس	۲/۹۹	#	#	۶۸	۸۰	۷۸
قزوین	۲/۰۰	#	#	#	۸۰	۹۳
قم	۲/۰۰	#	#	#	۷۵	۸۰
گیلان	۲/۰۰	#	#	#	۷۸	۸۱
گلستان	۲/۰۰	#	#	#	۶۸	۷۵
همدان	۲/۰۰	۸۱	۸۲	۸۲	۵۰	۶۱
هرمزگان	۲/۰۰	#	#	#	۷۴	۷۶
کرمانشاه	۲/۹۵	#	#	۸۹	۸۹	۹۴
کرمان	۲/۰۰	#	#	#	۶۵	۸۵
خوزستان	۱/۸۴	#	#	۶۰	۶۲	۷۱
خراسان	۲/۸	۴۷	۴۵	۴۴	۱۰	۵۰
کهگیلویه و بویراحمد	۲/۰۰	#	#	#	۲۰	۳۵
کردستان	۲/۰۰	#	#	#	۶۷	۷۵
لرستان	۲/۰۰	#	#	#	۷۴	۶۰
مرکزی	۲/۰۰	#	#	#	۷۸	۸۸
مازندران	۲/۵۷	۹۰	۸۰	۶۷	۷۶	۶۸
سمنان	۲/۰۰	#	#	#	۷۶	۷۷
سیستان و بلوچستان	۲/۰۰	#	#	#	۷۴	۷۹
تهران	۱/۵۸	۷۲	۹۸	۵۱	۵۳	۶۱
یزد	۲/۰۰	#	#	#	۸۳	۷۶
زنجان	۱/۰۸	#	#	۵۳	۷۱	۹۲
کل کشور	-	-	-	-	۶۸	۷۷

D.W - آماره دوربین واتسن

برآورد ظرفیت مالیاتی استانهای کشور ... ۱۴۳

جدول شماره ۵: نسبت مالیات مستقیم بالفعل به بالقوه

نام استان	D-W	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰
آذربایجان غربی	۲/۰۰	#	#	#	۶۵	۸۹
اردبیل	۲/۰۰	#	#	#	۷۳	۸۷
اصفهان	۱/۰۹	۸۴	۷۸	۷۷	۸۸	۹۱
آذربایجان شرقی	۱/۱۲	#	۷۲	۷۲	۸۴	۹۲
بوشهر	۲/۰۰	#	#	#	۷۶	۹۲
چهارمحال و بختیاری	۱/۷۲	۱۰۰	۶۰	۶۰	۷۱	۷۵
ایلام	۲/۰۰	#	#	#	۶۷/۵	۷۵
فارس	۲/۷۷	#	۶۸	۶۸	۸۶	۸۳
قزوین	۲/۰۰	#	#	#	۸۰	۹۵
قم	۲/۰۰	#	#	#	۷۸	۷۸
گیلان	۲/۰۰	#	#	#	۷۶	۷۹
گلستان	۲/۰۰	#	#	#	۷۷	۸۵
همدان	۲/۱۴	۷۶	۷۴	۷۳	۴۳	۵۹
هرمزگان	۲/۰۰	#	#	#	۷۶	۷۴
کرمانشاه	۲/۶۲	#	۶۵	۶۵	۸۳	۸۳
کومن	۲/۰۰	#	#	#	۷۱	۹۴
خوزستان	۲/۴۷	#	۵۷	۵۷	۵۸	۸۳
خراسان	۲/۶	۶۸	۵۵	۵۶	۵۵	۶۵
کهگیلویه و بویراحمد	۲/۰۰	#	#	#	۲۶	۴۵
کردستان	۲/۰۰	#	#	#	۷۷	۸۶
لرستان	۲/۰۰	#	#	#	۷۸	۶۷
مرکزی	۲/۰۰	#	#	#	۷۵	۸۸
مازندران	۲/۳۲	۸۹	۶۵	۶۵	۸۳	۷۴
سمنان	۲/۰۰	#	#	#	۸۶	۸۶
سیستان و بلوچستان	۲/۰۰	#	۳۸	۳۸	۶۸	۷۰
تهران	۲/۰۰	۷۸	۵۶	۵۱	۶۲	۶۴
یزد	۲/۰۰	#	#	#	۸۹	۷۹
زنجان	۱/۰۰	#	۷۱	۷۱	۸۷	۹۲
کل کشور	-	-	-	-	۷۵/۳۱	۸۲

۱۴۴ پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی شماره ۳۵

جدول شماره ۶: نسبت مالیات غیر مستقیم بالفعل به بالقوه

نام استان	D-W	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰
آذربایجان غربی	۲/۰۰	#	#	#	۱۰۴	۹۳
اردبیل	۲/۰۰	#۱	#	#	۱۴	۷۲
اصفهان	۱/۷۵	۲۰/۴۱	۲۶	۳۵	۳۳	۹۰
آذربایجان شرقی	۱/۳۷	#	#	۴۳	۳۹	۱۰۵
بوشهر	۲/۰۰	#	#۱	#۱	۶۱	۴۶
چهارمحال و بختیاری	۱/۷۹	۵۴/۵۴	۴۶/۱۵	۶۲	۵۴	۸۶
ایلام	۲/۰۰	#	#	#	۴۰	۶۷
فارس	۲/۹۸	#۱	#	۹۰	۵۷	۳۹
قزوین	۲/۰۰	#۱	#	#	۴۳	۲۱
قم	۲/۰۰	#	#	#	۴۷	۴۰
گیلان	۲/۰۰	#	#	#	۹۳	۳۸
گلستان	۲/۰۰	#	#	#	۶۹	۴۳
همدان	۲/۷۰	۹۱/۶۶	۷۷	۷۶	۱۱۴	۱۸
هرمزگان	۲/۰۰	#۱	#	#	۴۱	۲۹
کرمانشاه	۲/۹۳	#	#	۱۰۰	۱۰۰	۳۳
کرمان	۲/۰۰	#۱	#	#	۶۴	۲۸
خوزستان	۲/۰۱۴	#	#۱	۷۹	۵۴	۲۲
خراسان	۱/۰۳	۱۰۷	۸۷	۷۵	۶۲	۳۴
کهگیلویه و بویراحمد	۲/۰۰	#۱	#	#	۲۰	۲۷
کردستان	۲/۰۰	#۱	#	#	۲۲	۳۱
لرستان	۲/۰۰	#	#	#	۲۲	۱۱
مرکزی	۲/۰۰	#	#	#	۲۱	۲۰
مازندران	۱/۰۵	۹۱/۶۶	۵۸	۱۰۰	۸۰	۲۱
سمنان	۲/۰۰	#	#	#	۳۵	۲۱
سیستان و بلوچستان	۲/۰۰	#	#	۳۰	۴۷	۲۹
تهران	۱/۹۳	۹۵	۲۳	۸۷	۱۸	۲۹
یزد	۲/۰۰	#	#	#	۴۹	۲۰
زنجان	۲/۴۱	#	#	۵۲	۲۶	۱۶
کل کشور	-	-	-	-	۴۸/۲۵	۳۳

منابع الف) فارسی

- ارباب، حمیدرضا (۱۳۶۶)، بررسی ظرفیت مالیاتی در جمهوری اسلامی، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس.
- پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس (۱۳۷۸)، بررسی توان بالفعل و بالقوه مالیاتی استان مازندران، تهران.
- رحیمی فر، مهری (۱۳۶۹)، تخمین تابع درآمدهای مالیاتی کشور، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرکزی تهران.
- کردبچه، محمد (۱۳۶۴)، نسبت مالیات، ظرفیت مالیاتی و کوشش مالیاتی، دفتر اقتصاد کلان، سازمان برنامه و بودجه.
- عظیمی، حسین (۱۳۷۱)، مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران، تهران: نشرنی.
- کمیجانی، اکبر و فریبا فهیم یحیایی (۱۳۷۳)، "تحلیلی بر ترکیب مالیات ها و برآورد ظرفیت مالیاتی ایران"، مجله اقتصاد و مدیریت دانشگاه آزاد اسلامی، شماره ۸ و ۹.
- نادران، الیاس (۱۳۶۶)، مالیات ها و ظرفیت مالیاتی و معضلات موجود، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران.

ب) انگلیسی

- Ahmadi, M (1989), "The Iranian Tax System, an Empirical Analysis" Ph.D Dissertation.
- Challiah, Raja, J. (1975), "Trends in Taxtion in Developing Countries", *IMF Staff Papers*.
- Challiah, R. J, H. J. Baasand and M.R. Yelly (1976), "Tax Rations and Tax Effort in Developing Countries", *IMF Staff Papers*.
- Dahalby, B. and L. S. Wilson (1994), "Fiscal Capacity, Tax Effort, and Optimal Equalization Grants", *Canadian Journal of Economics*, 27 (3).
- Tait, A. A, W. L. M. Gratz and B. J. Eichengreen (1979), "International Comparisons of Taxation for Selected Developing Countries (1972-76)", *IMF Staff Papers*, July.



پڙو، شڪاڙه علوم انساني و مطالعات فرينجني
پرتال جامع علوم انساني